

کتابخانه‌ها و سواد اطلاعاتی

■ دکتر یزدان منصوریان^۱

دانشیار دانشگاه خوارزمی

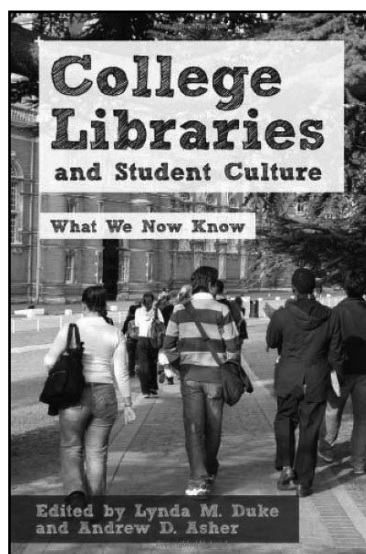
با ظهور فناوری‌های نوین و استفاده از محیط دیجیتال امروزه کتابخانه‌ها نقشی به مراتب تأثیرگذارتر در دنیای اطلاعات بازی می‌کنند. به ویژه این که امروزه افزایش سرسام آور اطلاعات خود به مشکلی عمده در دستیابی به اطلاعات بدل گشته است. همین مسأله نیز بر تأثیرگذاری کتابخانه‌ها در دستیابی سریع و دقیق به اطلاعات در محیط‌های دیجیتال افزوده است. در همین راستا آثار و منابع علمی کارآمد و موثری تألیف شده‌اند که آشنایی افراد با این آثار می‌تواند در بهره‌گیری از این محیط‌های اطلاعاتی و آشنایی با کارآمدی آنها بسیار موثر باشد. از این رو در این شماره از نشریه سعی شده تا سه عنوان کتاب جدید و مرتبط با این حوزه انتخاب شود و به معرفی و نقد آنها بپردازیم. کتاب‌هایی که به معرفی و نقد آنها در این شماره پرداخته‌ایم عبارتند از: کتابخانه‌های دانشگاهی و فرهنگ دانشجویی: آن چه اکنون می‌دانیم؛ کاربران اطلاعات و کاربردپذیری در عصر دیجیتال؛ و راهنمای آموزش سواد اطلاعاتی: ۱۰۱ نکته کاربردی. همان گونه که از عنوان این بخش از نشریه نیز برمی‌آید این آثار که در این بخش معرفی شده‌اند، آثاری ارزشمند و شایسته ترجمه هستند. لذا از متخصصان امر تقاضا می‌شود در صورت علاقه‌مندی نسبت به ترجمه این آثار کوشا باشند.

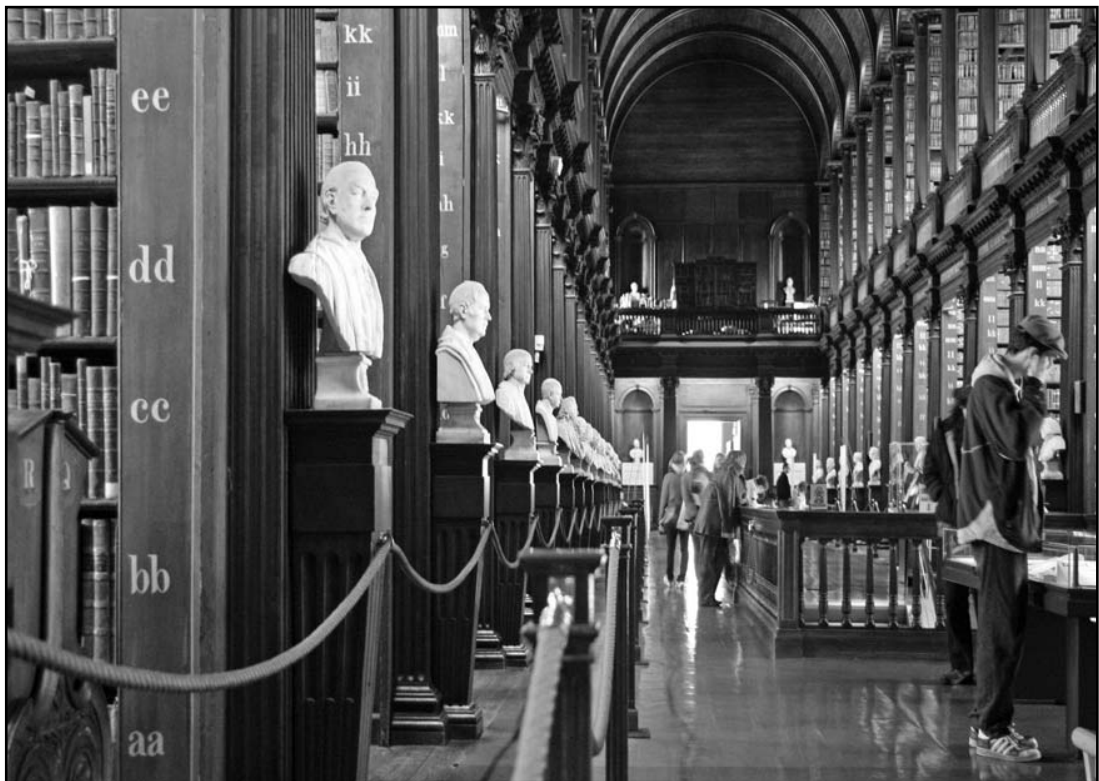
■ Duke, L. and Asher, A. (Ed.) *College Libraries and Student Culture: What We Know Now*. Chicago: American Library Association, 2012, ISBN: 978-0-8389-1116-7, PP. 191.

کتابخانه‌های دانشگاهی و فرهنگ دانشجویی:
آن چه اکنون می‌دانیم

مقدمه

کتابخانه‌های دانشگاهی مسؤولیت شناسایی، گردآوری، سازماندهی و اشاعه اطلاعات علمی را در دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزش عالی بر عهده دارند. نظر به تحولاتی که در چند دهه اخیر در زمینه فرایند تولید، انتشار و استفاده از این منابع رخ داده، این کتابخانه‌ها از یک سو فرصت‌های تازه‌ای به دست آوردند و از سوی دیگر با چالش‌های جدیدی مواجه شده‌اند. مهم‌ترین فرصت‌هایی که در اختیارشان قرار گرفته، در زمینه دسترسی سریع، پیوسته و گسترده به حجم عظیمی از اطلاعات الکترونیکی است. در مقابل، تغییر در رفتارهای اطلاع‌جویی کاربران و توجه بسیاری از آنان به منابع اطلاعاتی خارج از کتابخانه، نقش کلیدی و محوری این کتابخانه‌ها را عملاً به چالش کشیده است. به این ترتیب برخلاف گذشته اغلب دانشجویان و استادان برای تحقیقات





کتاب حاضر از ۱۰ فصل تشکیل شده و گزارشی مفصل از یافته‌های یک طرح پژوهشی گسترده با عنوان «پژوهش مردم‌نگاری در کتابخانه‌های دانشگاهی ایلینوی» است که در این کتاب از آن با اختصار

«ایریال» یاد می‌شود

نام‌های لیندا دوک^۲ و اندرو آشر^۳ و ویرایش و آماده چاپ شده است. خانم لیندا دوک، دانشیار دانشگاه وزلیان^۴ در ایلینوی است. ایشان مسؤؤل هماهنگی فعالیت‌های ارزشیابی و بازاریابی در کتابخانه این دانشگاه است و علاوه بر آن، مسؤؤلیت مجموعه‌سازی و آموزش خدمات کتابخانه‌ای را در چند گروه آموزشی این دانشگاه، از جمله گروه‌های اقتصاد و بازرگانی، بر عهده دارد. ایشان دانش‌آموخته مقطع کتابداری و اطلاع‌رسانی از دانشگاه ایلینوی و هم‌چنین کارشناسی ارشد طراحی شهری از دانشگاه میشیگان است.

سرپرستار دیگر این اثر، دکتر اندرو آشر، دارای مدرک دکتری تخصصی در زمینه مردم‌شناسی فرهنگی - اجتماعی^۵ از دانشگاه ایلینوی است و در حال حاضر در شورای کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه باکنل^۶ مسؤؤلیت مطالعه و پژوهش در زمینه ارتباطات علمی را بر عهده دارد. دکتر آشر مطالعات مفصلی در زمینه استفاده از روش قوم‌نگاری در پژوهش‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی انجام داده که نتایج آن در چند مقاله و هم‌چنین تعدادی سخنرانی منتشر شده است. مثلاً در آوریل سال ۲۰۱۱، ایشان در همایش سالانه انجمن کتابداران تگزاس سخنرانی خود را با عنوان «شناخت رفتارهای کاربران کتابخانه با استفاده از روش قوم‌نگاری» ارائه نمود (آشر، ۲۰۱۱b). هم‌چنین در نوامبر همین سال، در همایش سالانه انجمن مردم‌شناسان امریکا سخنرانی دیگری با عنوان «جادوی جست‌وجو: کشف چگونگی اطلاع‌یابی دانشجویان» داشته است (آشر، ۲۰۱۱).

و مطالعات خود بیش از آن که به منابع کتابخانه‌ای متکی باشند، ابتدا به موتورهای جست‌وجو و سایر منابع دسترسی آزاد^۲ مراجعه می‌کنند.

با این حال، دانش موجود درباره این رفتارها محدود است و ارتقاء این دانش، نیازمند مطالعاتی بنیادی و کیفی است. از آنجا که به جز چند مطالعه کیفی، که به تدوین تعدادی مدل اطلاع‌یابی در این زمینه منجر شده، اغلب مطالعات این حوزه با رویکرد کمی بوده است. در نتیجه، انتشار مطالعات کیفی عمیق در این زمینه، فرصت ارزشمندی برای تولید دانش جدید در این حوزه محسوب می‌شود. یکی از مطالعات گسترده در این زمینه، تحقیقی کیفی با روش قوم‌نگاری^۳ بوده که به مدت ۲۱ ماه در پنج دانشگاه امریکا انجام شده و نتایج نهایی آن در سال ۲۰۱۲ در کتابی با عنوان کتابخانه‌های دانشگاهی و فرهنگ دانشجویی: آن چه اکنون می‌دانیم، توسط انجمن کتابداران این کشور منتشر شده است.

معرفی نویسندگان

جمعاً سی نفر در نگارش این اثر مشارکت داشته‌اند که نقش دوازده نفر از آنان در این زمینه مشارکت مستقیم، و نقش هجده نفر دیگر غیرمستقیم بوده است. این تیم سی نفره مجری پروژه‌ای گسترده در پنج دانشگاه امریکا بوده‌اند که در آن نظرات ۶۵۰ نفر از دانشجویان، استادان و کتابداران در بیش از ۷۰۰ فعالیت آموزشی و پژوهشی مختلف بررسی شده است. نسخه نهایی کتاب توسط دو نفر از اعضاء این تیم به

معرفی کتاب

کتاب حاضر از ۱۰ فصل تشکیل شده و گزارشی مفصل از یافته‌های یک طرح پژوهشی گسترده با عنوان «پژوهش مردم‌نگاری در کتابخانه‌های دانشگاهی ایلینوی» است که در این کتاب از آن با اختصار «ایریال» یاد می‌شود. در این طرح، پنج دانشگاه در ایالت ایلینوی از جمله دانشگاه معروف شیکاگو شرکت داشته‌اند که از نظر تعداد دانشجو در طیفی از ۲۱۰۰ دانشجو تا ۲۶ هزار دانشجو دارند. در مجموع ۶۵۰ دانشجو، کتابدار و عضو هیئت علمی در این طرح شرکت داشتند و فرایند اجرای این پژوهش ۲۱ ماه زمان برده است. همان‌طور که از عنوان آن مشخص است، روش مورد استفاده نیز قوم‌نگاری بوده است.

در فصل نخست کتاب، دلیل انتخاب این روش، توانمندی آن در درک پدیده‌های پیچیده فرهنگی و اجتماعی در بافت واقعی آنها معرفی شده است. به ویژه آن‌که در این روش محققان می‌توانند به صورت هم‌زمان از روش‌های مختلف گردآوری داده‌ها نظیر مصاحبه، مشاهده مستقیم، عکس، دفترچه خاطرات و غیره استفاده کنند.

فصل نخست کتاب بیشتر به معرفی کلیات، اهداف و پرسش‌های پژوهش می‌پردازد. اندرو آشر، سوزان میلر و دیوید گرین^۱ که از نویسندگان اصلی کتاب هستند، در ابتدای این فصل چنین نوشته‌اند: «تکالیف پژوهشی از جمله رساله و پایان‌نامه، از جمله فعالیت‌های بسیار معمول و فراگیر در دانشگاه‌ها هستند. این در حالی است که در فضای جدیدی که انباشته از منابع اطلاعاتی و متنوع است، انجام این تکالیف با دشواری‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود همراه است. اما کمتر به این فرایند توجه می‌شود و رفتارهای اطلاع‌یابی و حل مسأله دانشجویان در این فرایند کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، سه پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارتند از: دانشجویان برای انجام تکالیف پژوهشی خود چه مسیرهایی را طی می‌کنند و رفتارهای اطلاع‌یابی آنان در این زمینه چگونه است؟ اعضای هیئت علمی و کتابداران چه انتظاری از آنان دارند؟ و چگونه می‌توان ارتباطات میان فردی و تعامل افراد را در محیط اجتماعی پژوهش درک کرد؟ مثلاً نقش فعالیت‌ها و تکالیف‌های گروهی دانشجویان در این عرصه چیست و آنان چگونه در مسیر پژوهش و دسترسی به منابع اطلاعاتی از کمک و همکاری یکدیگر بهره‌مند می‌شوند؟ به سخن دیگر، پژوهش حاضر درصدد ترسیم تصویری روشن از فرایند پژوهش‌های دانشجویی است تا عناصر و مؤلفه‌های مؤثر بر آن را شناسایی کند و دانش جدیدی را در این زمینه در اختیار متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی و همچنین متولیان آموزش عالی قرار دهد. در ادامه این فصل، نویسندگان امتیازهای رویکرد کیفی

برای انجام این تحقیق را تبیین می‌کنند و چگونگی اجرای آن را توضیح داده‌اند. علاوه بر این توضیحات مفیدی نیز در زمینه معرفی روش تحقیق «قوم‌نگاری» - که در این تحقیق مورد استفاده بوده - ارائه شده است.

فصل دوم با عنوان «عمل‌گرایی و آرمان‌گرایی در کتابخانه‌های دانشگاهی: تحلیلی بر ارزش‌ها و انتظارات اعضای هیئت علمی و کتابداران»، به ارائه بخشی از یافته‌های این تحقیق درباره مقایسه دو رویکرد متفاوت میان دانشجویان و استادان می‌پردازد؛ به این معنا که اغلب دانشجویان موفقیت خود را بیشتر در کسب نمره بالاتر و گرفتن مدرک می‌دانند. در مقابل، استادان بیشتر بر یادگیری تأکید دارند و امیدوارند دانشجویان تکالیف پژوهشی خود را با علاقه‌مندی انجام دهند، در نگارش آن دقت بیشتری داشته باشند و معیارهای علمی را رعایت کنند. پیامد چنین تفاوتی در نگرش این دو گروه، به خوبی در تکالیف دانشجویان مشهود است. کتابداران نیز با مشکل مشابهی مواجه‌اند. آنان از یک سو ناگزیرند پاسخگوی پرسش‌های دانشجویان پرشتابی باشند که برای تکمیل پروژه تحقیقاتی خود عجله دارند و از سوی دیگر موظفند مهارت‌های اطلاع‌یابی و سواد اطلاعاتی را به آنان آموزش دهند تا بتوانند یادگیرندگان مستقل باشند. بنابراین، کتابداران امروز باید بیش از گذشته به قانون چهارم رانکاناتان توجه کنند و تدابیر لازم را برای صرفه‌جویی وقت کاربران ببینند.

فصل سوم با عنوان «بازاریابی خدمات آموزشی کتابخانه: یافته‌هایی از مصاحبه با اعضای هیئت علمی»، به بررسی اقدامات آموزشی کتابداران در دانشگاه‌ها می‌پردازد. در ابتدای این فصل، اعضای هیئت علمی بر اساس نگرشی که به خدمات آموزشی کتابخانه دارند به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه نخست، دانشجویان خود را به شرکت در کلاس‌های کتابخانه تشویق می‌کنند و در برخی از جلسات کلاس نیز از کتابداران دعوت می‌کنند تا به عنوان مدرس مهمان، مهارت‌های اطلاع‌یابی را به دانشجویان آموزش دهند. در مقابل، گروه دوم بر این باورند که تدریس این مهارت‌ها جزو وظایف خودشان است و هم‌چنان اصرار دارند این بخش را خود بر عهده داشته باشند. البته گروه سوم نیز وجود دارند که ترکیبی از این دو آموزش را مناسب می‌دانند؛ آنان مبانی روش تحقیق و جست‌وجو را به دانشجویان آموزش می‌دهند، سپس از کتابداران می‌خواهند با کلاس‌های تکمیلی در زمینه استفاده بهینه از منابع اطلاعاتی، این فرایند را تکمیل کنند. در این فصل نویسندگان از کتابداران دعوت می‌کنند با معرفی قابلیت‌ها و توانمندی‌های کتابخانه، در این زمینه گام‌های مؤثری برای ارتقاء سطح

کتابخانه‌های

دانشگاهی مسؤولیت

شناسایی، گردآوری،

سازماندهی و اشاعه

اطلاعات علمی را در

دانشگاه‌ها و سایر

مراکز آموزش عالی بر

عهده دارند

**مطالعه کتاب حاضر
برای کتابداران شاغل
در کتابخانه‌های
دانشگاهی بسیار مفید
است، زیرا آن چه
در این اثر آمده،
مستقیماً با کار آنان در
محیط‌های دانشگاهی
ارتباط دارد و
توصیه‌های ارزشمندی
در اختیار آنان قرار**



می‌دهد

دانشجویان بیش از آن که از فهرست کتابخانه استفاده کنند، موتورهای جست‌وجو را برای یافتن اطلاعات مورد نیازشان ترجیح می‌دهند، اما حداقل در این زمینه مهارت کافی دارند. اما نتایج نشان داد که بسیاری از آنان فقط از جست‌وجوی ساده در موتورهای کاوش استفاده می‌کنند و از بسیاری از امکانات این موتورها ناآگاه هستند. بر این اساس به نظر می‌رسد کتابداران باید در سرفصل دوره‌های آموزش سواد اطلاعاتی تجدید نظر کنند.

فصل ششم درباره خدمات کتابخانه‌های دانشگاهی به گروه‌های خاص و اقلیت‌ها در جامعه کاربران است و به عنوان مثال به وضعیت دانشجویان اسپانیایی‌زبان در دانشگاه‌های امریکا اشاره می‌کند؛ دانشجویانی که از کشورهای اسپانیولی مثل مکزیک، کوبا، آرژانتین و سایر کشورهای آمریکای لاتین و جنوبی در این دانشگاه‌ها تحصیل می‌کنند. نویسندگان این فصل بر این باورند که هرچند ممکن است تعداد این دانشجویان در برخی از دانشگاه‌ها اندک باشد؛ اما نباید آنان را فراموش کنیم. بنابراین، لازم است منابع و امکانات لازم برای ارائه خدمات مناسب به آنان پیش‌بینی شود. اختصاص بخشی از بودجه کتابخانه برای خرید کتاب‌های اسپانیولی، از جمله این اقدامات است.

فصل هفتم اختصاصاً درباره فرایند اطلاع‌یابی دانشجویان سال اول است. توجه ویژه به این گروه از دانشجویان شاید به دلیل اهمیت سال نخست تحصیل

همکاری با اعضای هیئت علمی بردارند.

فصل چهارم به این پرسش اساس پاسخ می‌دهد که چرا بسیاری از دانشجویان برای انجام تکالیف خود از کتابداران کمک نمی‌خواهند و رفتارهای اطلاع‌یابی آنان چگونه است؟ یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از دانشجویان از توانمندی کتابداران برای کمک در دسترسی و استفاده بهینه از منابع آگاه نیستند، یا در آن تردید دارند. بنابراین، آنان تمایل چندانی به مطرح کردن درخواست کمک ندارند. علاوه بر این، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که برگزاری تورهای آشنایی با کتابخانه در آغاز سال تحصیلی و طی آن فرصت بزرگی برای ایجاد این آگاهی و برقراری ارتباط بین کتابداران و دانشجویان است.

فصل پنجم به نوعی استمرار مطالب فصل قبلی است و نشان می‌دهد که بسیاری از دانشجویان از یک سو از کتابداران برای انجام تکالیف خود کمک نمی‌خواهند و از سوی دیگر از بسیاری امکانات کتابخانه برای دسترسی به منابع اطلاع دقیقی ندارند. در نتیجه، آنان از امکانات سودمندی که برایشان تدارک دیده شده، به خوبی استفاده نمی‌کنند.

جالب این که بخشی از یافته‌های این تحقیق که در فصل پنجم منعکس شده، برای نویسندگان کتاب شگفت‌آور بوده و به نوعی برخی از پیش‌فرض‌های آنان را نفی کرده است. آنان در ابتدا بر این باور بودند که هرچند

کیفی و روش قوم‌نگاری نیز یکی دیگر از امتیازهای این اثر است. زیرا ماهیت پرسش‌های این تحقیق به گونه‌ای بوده که استفاده از این روش را ضروری ساخته است.

کتاب حاضر، مثال ارزشمندی برای استفاده درست و صحیح از رویکرد کیفی در مطالعات کتابداری و اطلاع‌رسانی است. همچنین، استفاده هم‌زمان از چندین روش گردآوری و تحلیل داده‌ها بر عمق و دامنه این اثر افزوده است. علاوه بر این، همکاری مؤثر ده‌ها نفر در انجام این پژوهش و نگارش کتاب حاضر نیز نمونه بسیار موفق‌تری از کار گروهی به شمار می‌آید.

علی‌رغم همه امتیازهای این اثر، توجه به چند نکته می‌توانست بر ارزش و سودمندی آن بیفزاید. نخست آن‌که میزان شواهد برگرفته از داده‌های گردآمده برای حمایت از یافته‌های تحقیق می‌توانست به مراتب بیش از این باشد. در نتیجه خوانندگان می‌توانستند تصویر بهتری از یافته‌های تحقیق در اختیار داشته باشند. همچنین نویسندگان می‌توانستند از ابزارهای کمکی، نظیر جدول و تصویر برای خلاصه‌سازی و دسته‌بندی یافته‌ها استفاده کنند. به این ترتیب خوانندگان مجبور نبودند برای درک مطالب کتاب، صفحات بی‌درپی را مطالعه کنند.

سخن پایانی

مطالعه کتاب حاضر برای کتابداران شاغل در کتابخانه‌های دانشگاهی بسیار مفید است، زیرا آن‌چه در این اثر آمده، مستقیماً با کار آنان در محیط‌های دانشگاهی ارتباط دارد و توصیه‌های ارزشمندی در اختیار آنان قرار می‌دهد. مثلاً تأکید ویژه این کتاب بر اهمیت نقش آموزشی کتابداران دانشگاهی، پیام مهمی برای آنان است که اگر به ارتقاء جایگاه و نقش حرفه‌ای خود در دانشگاه علاقه‌مند هستند، باید مشارکتی فعالانه در فرایند آموزش و پژوهش داشته باشند. باید مهارت‌های اطلاع‌یابی و پژوهش را به کاربران آموزش دهیم تا بتوانند در آینده به یادگیرندگان مستقل و مادام‌العمر تبدیل شوند.

پیام دیگر این کتاب، تأکید بر این واقعیت است که کتابخانه علاوه بر این که منبع مهمی در گردآوری، سازماندهی و اشاعه اطلاعات محسوب می‌شود، نهادی اجتماعی است که جایگاه ارزشمندی برای تعامل‌های اجتماعی دارد. بنابراین، مدیران کتابخانه‌ها باید در کنار منابعی که گردآوری می‌کنند، فضاهایی آموزشی در اختیار کاربران قرار دهند. کلاس‌های کنفرانس برای فعالیت‌های گروهی دانشجویان از جمله این اقدامات است. ضمناً معرفی این اثر به دانشجویان تحصیلات تکمیلی به عنوان تحقیقی که با موفقیت از رویکرد کیفی استفاده کرده است، برای آشنایی آنان با مثالی جدید و عملی در این زمینه بسیار سودمند خواهد بود.

در موفقیت آتی دانشجویان باشد. بنابراین، لازم است در ارزیابی جامعه مورد مطالعه - که در این تحقیق، دانشجویان هستند - با دقت بیشتری به این گروه توجه شود، به ویژه آن‌که تکالیف پژوهشی برای بسیاری از آنان تجربه تازه‌ای محسوب می‌شود و آنان تجربه کمتری در استفاده از منابع علمی دارند.

فصل هشتم درباره تصور کاربران از کتابخانه‌های مدرن است و یافته‌هایی را از انتظارات آنان در این زمینه مطرح می‌سازد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که آنان علاوه بر فضایی برای مطالعه، به امکاناتی برای فعالیت‌های گروهی نظیر کلاس‌هایی برای بحث و گفت‌وگو نیاز دارند. بنابراین، تصویر موجود از کتابخانه سنتی که باید محلی ساکت و آرام برای مطالعه شخصی باشد، در حال تغییر است و کتابداران باید به این روند توجه کنند.

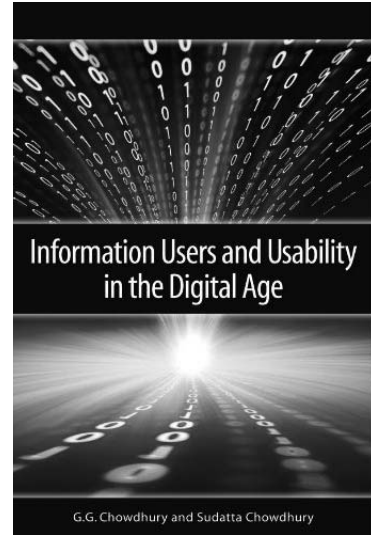
دو فصل آخر، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی نویسندگان از یافته‌های تحقیق است. در این دو فصل آنان بیشتر بر اکتشافی بودن این تحقیق تأکید دارند و به صراحت اعلام می‌کنند که بسیاری از یافته‌ها چندان با فرض‌های اولیه آنان هم‌خوانی نداشته و همین ناهم‌خوانی، ارزشی افزوده برای این پژوهش به شمار می‌آید، زیرا افقی تازه را برای پژوهش بیشتر در این زمینه فراهم آورده است.

آنان در این مطالعه گسترده دریافته‌اند که برای دانشجویانی که با اینترنت بزرگ شده‌اند، «کتابخانه» و «کتابدار»، مفاهیمی متفاوت از مفاهیم این واژه‌ها در ذهن دانشجویان نسل پیش از فراگیری اینترنت دارد. زیرا برای آنان، منابع کتابخانه تنها روش دسترسی به اطلاعات مورد نیازشان نیست. با این حال کاربران هنوز کتابخانه را به شکل فیزیکی آن و به عنوان نهادی اجتماعی دوست دارند. کتابخانه برای آنان علاوه بر منبعی اطلاعاتی، محلی برای تعاملات اجتماعی نظیر دیدار با دوستان، همکاری در انجام تکالیف و مطالعه گروهی است. اما کتابداران باید از تحولات دنیای ذخیره، بازیابی و اشاعه اطلاعات آگاه باشند و تأثیر آن را بر حرفه خود بشناسند. اگر کتابداران می‌خواهند در آینده نیز نقش و جایگاه خود را در عرصه خدمات علمی در محیط دانشگاهی حفظ کنند، نباید پشت میز امانت و مرجع منتظر کاربران بنشینند، بلکه باید به استقبال آنان بروند و بیش از پیش نقش جدی خود را در فرایند یادگیری و آموزش ایفا کنند.

امتیازها و کاستی‌های کتاب

مهم‌ترین امتیاز این کتاب، پشتوانه پژوهش آن است. کتابی که بر اساس چنین تحقیقات گسترده‌ای نوشته شده است، یافته‌های معتبر و موثقی ارائه می‌کند و منبع دانش جدیدی در این حوزه محسوب می‌شود. استفاده مؤثر و بجا از رویکرد

کاربران اطلاعات و کاربردپذیری در عصر دیجیتال



■ Chowdhury, G and Chowdhury, S. **Information Users and Usability in the Digital Age**, London: Facet Publishing, 2011, ISBN: 978-1-85604-597-1, PP. 208.

مقدمه

استفاده از ابزار و منابع اطلاعات الکترونیکی دیگر محدود به کارشناسان و متخصصان جامعه نیست، بلکه امروزه عموم مردم - از هر قشر و در هر رده سنی - اعم از کودکان، نوجوانان و سالمندان جزو کاربران این منابع محسوب می‌شوند. بنابراین، طراحان این ابزارها باید نیازهای بسیار متنوعی را در نظر گیرند و بیش از گذشته به «کاربردپذیری»^{۱۱} محصولات خود توجه داشته باشند. کاربردپذیری، شاخه‌ای از دانش نوین در عرصه طراحی و تولید است که به بررسی میزان سهولت استفاده، اثربخشی، آموزش‌پذیری و رضایت کاربران از ابزار و محصولات مختلف می‌پردازد.

آنچه در مطالعات کاربردپذیری بررسی می‌شود، طیف بسیار وسیعی دارد و می‌تواند شامل هر وسیله‌ای اعم از گوشی تلفن همراه، نرم‌افزاری تازه یا سایتی اینترنتی باشد. هدف متخصصان این حوزه، کمک به طراحان این ابزارهاست که با شناخت هرچه بیشتر نیاز کاربران، محصولی تولید کنند که استفاده از آن آسان‌تر، کارایی آن بیشتر، و در نهایت رضایت کاربران از آن افزون‌تر از گذشته باشد. در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز تا کنون کتاب‌ها و مقالات متعددی در زمینه کاربردپذیری ابزارهای ذخیره و بازیابی اطلاعات منتشر شده که کتاب کاربران اطلاعات و کاربردپذیری در عصر دیجیتال، یکی از جدیدترین آنهاست.

معرفی نویسندگان

دکتر گویندا جی چودری^{۲۱} - نویسنده نخست این اثر - رئیس مرکز مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش در دانشگاه فنی سیدنی استرالیا است. ایشان پیش از شروع به کار در این دانشگاه، مدتی دانشیار دانشگاه صنعتی نانیانگ در سنگاپور^{۲۲} و چند سالی نیز عضو هیئت علمی دانشگاه «استراتکلاید» گلاسگو^{۲۳} در اسکاتلند بوده است. او در کارنامه علمی خود علاوه بر چاپ چندین مقاله در مجلات معتبر بین‌المللی در حوزه مدیریت دانش، بازیابی اطلاعات و مبانی کتابداری و اطلاع‌رسانی، نویسنده اصلی یا نویسنده همکار چندین کتاب است. عناوین مهم‌ترین کتاب‌های ایشان در سال‌های اخیر عبارت است از: مقدمه‌ای بر کتابخانه‌های دیجیتال (چودری، ۲۰۰۳)؛ مقدمه‌ای بر کتابداری (چودری و دیگران، ۲۰۰۸) و مقدمه‌ای بر بازیابی اطلاعات پیشرفته (چودری، ۲۰۱۰). بیشتر این آثار با رویکرد آموزشی نوشته شده‌اند و به معرفی حوزه‌های مطالعاتی مختلف در کتابداری و اطلاع‌رسانی اختصاص دارند.

نویسنده دوم کتاب، سوداتا چودری^{۲۴} نیز عضو هیئت علمی دانشگاه فنی سیدنی در زمینه مدیریت دانش و اطلاعات است و در تدوین بسیاری آثار، با نویسنده نخست کتاب مشارکت داشته است.

معرفی کتاب

کتاب حاضر شامل ۱۰ فصل است. فصل اول به ارائه کلیاتی درباره مفاهیم پایه در زمینه مطالعات کاربرمدار و پژوهش درباره تعامل کاربران با منابع اطلاعاتی اختصاص یافته است. اما شروع کلیشه‌ای این فصل و اشاره به گستردگی فناوری اطلاعاتی و اهمیت آن در همان ابتدا خواننده را کمی دلسرد می‌کند. زیرا مخاطب این اثر، با این کلیات آشنایی کافی دارد و نیازی به تکرار آن نیست. اما خوشبختانه نویسندگان به سرعت از این شروع کلیشه‌ای عبور می‌کنند و با طرح چند پرسش اساسی، ذهن خواننده را درباره اهمیت موضوع کتاب با خود همراه می‌سازند. مثلاً این که چگونه می‌توان نیازهای اطلاعاتی کاربران را سنجید؟ چگونه می‌توان در فرایند طراحی منابع اطلاعات الکترونیکی ویژگی‌های لازم برای تأمین این نیازها را پیش‌بینی کرد؟

سپس در صفحه ۱۶ انگیزه اصلی از نگارش کتاب تبیین می‌شود. در این قسمت، نویسندگان به این نکته اشاره می‌کنند که به رغم انتشار منابع متعدد در زمینه ارزیابی منابع اطلاعاتی، از نظر کاربردپذیری، هنوز استفاده از بسیاری سایت‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی آسان نیست. به همین دلیل، کاربران در این زمینه با دشواری‌های متعددی روبرو هستند. بنابراین به نظر می‌رسد طراحان این منابع یا از اصول کاربردپذیری آگاهی ندارند یا معیارهای لازم را در عمل به

آنچه در مطالعات

کاربردپذیری بررسی

می‌شود، طیف بسیار

وسیع دارد و می‌تواند

شامل هر وسیله‌ای اعم

از گوشی تلفن همراه،

نرم‌افزاری تازه یا

سایتی اینترنتی باشد

کار نمی‌گیرند.

آنان دلایل دیگری نیز در این زمینه مطرح می‌کنند. مثلاً تنوع روزافزون کاربران از نظر نیازها و ویژگی‌هایی که دارند، کار طراحی ابزارهای الکترونیکی را دشوارتر ساخته است. زیرا جامعه استفاده‌کننده از این منابع، هم‌چون چند دهه پیش به گروه یا گروه‌های خاصی محدود نمی‌شوند. بنابراین، هرچند دانش موجود در این زمینه افزایش یافته، اما به کار بستن این دانش جدید در طیفی وسیع، چندان آسان نیست.

فصل دوم کتاب با عنوان «نیازهای اطلاعاتی و مطالعه کاربران» مروری بر آثار موجود در این زمینه است و به آثار هسته در این زمینه از جمله مدل‌های بلکین (۱۹۸۰)، اینگورسن (۱۹۹۶) و فورد (۲۰۰۴) استناد کرده است. در صفحه ۲۶ کتاب، نویسندگان با استناد به هرم معروف نیازهای آبراهام مازلو^۶ نیازهای اطلاعاتی را در چارچوب این مدل به پنج دسته تقسیم کرده‌اند.

سطح نخست، نیازهای اطلاعاتی برای غلبه بر شرایط دشوار و تأمین نیازهای اولیه زندگی است. مثلاً زمانی که افراد در حال انجام وظیفه یا کاری مشخص در محل کارشان هستند و برای به ثمر رساندن آن، به اطلاعات مشخصی نیاز دارند. در سطح دوم، نیاز به اطلاعات برای پرهیز از انواع خطرات است که در زندگی روزمره و در فرایند تصمیم‌گیری به آن نیاز داریم. سطح سوم، نیاز به اطلاعاتی است که به تبیین موضوع یا موضوعاتی مشخص کمک می‌کند، مثلاً درک مناسبات اجتماعی و رفتارهای فردی در یک بافت فرهنگی مشخص. چهارمین سطح، مربوط به نیاز به اطلاعات برای توانمندسازی فرد است، به نحوی که بتواند در محیط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اطراف خود به شناخت بهتری برسد و موفقیت بیشتری کسب کند. آخرین سطح نیز نیازهای اطلاعاتی برای تحقق خودشکوفایی است که در هرم مازلو هم در رأس هرم قرار دارد. همه اطلاعاتی که فرد برای شناخت توانمندی‌های خود و کسب دانش جدید نیاز دارد، در این سطح قرار دارند. به این ترتیب، الهام گرفتن از هرم مازلو

برای دسته‌بندی نیازهای اطلاعاتی نمونه خوبی از پیوندهای بین‌رشته‌ای است که در این کتاب دیده می‌شود.

فصل سوم با عنوان «مدل‌ها و مطالعات رفتار اطلاعاتی انسان»، مروری بر مدل‌های اطلاع‌یابی و پژوهش‌های مرتبط در این زمینه است. البته همان‌طور که در این فصل اشاره می‌شود، قبلاً در دو کتاب نظریه‌های رفتار اطلاعاتی نوشته فیشر و دیگران (۲۰۰۶) و ویرایش

دوم کتاب ارزشمند در جستجوی اطلاعات: مطالعه نیازهای اطلاعاتی، اطلاع‌جویی و رفتار اطلاعاتی، اثر مشهور دونالد کیس (۲۰۰۷) مرور بسیار مفصلی در این زمینه انجام شده است. با این حال، این فصل نیز اطلاعات مختصری از این حوزه گسترده در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

فصل چهارم با عنوان «مفاهیم پایه در مطالعه کاربردپذیری» یکی از فصول مختصر کتاب است که در آن مقدمه‌ای از روش تحقیق در مطالعات کاربردپذیری در حوزه ابزارهای ذخیره و بازیابی اطلاعات مطرح شده است. در ابتدای این فصل، نویسندگان با استناد به کتاب نیلسن و لورانگر (۲۰۰۶) پنج وجه این مطالعات را در پنج معیار آموزش‌پذیری (امکان یادگیری)، کارآمدی، سطح یادآوری، شباهت‌پذیری خطاها، و رضایت کاربران^۷ خلاصه می‌کند.

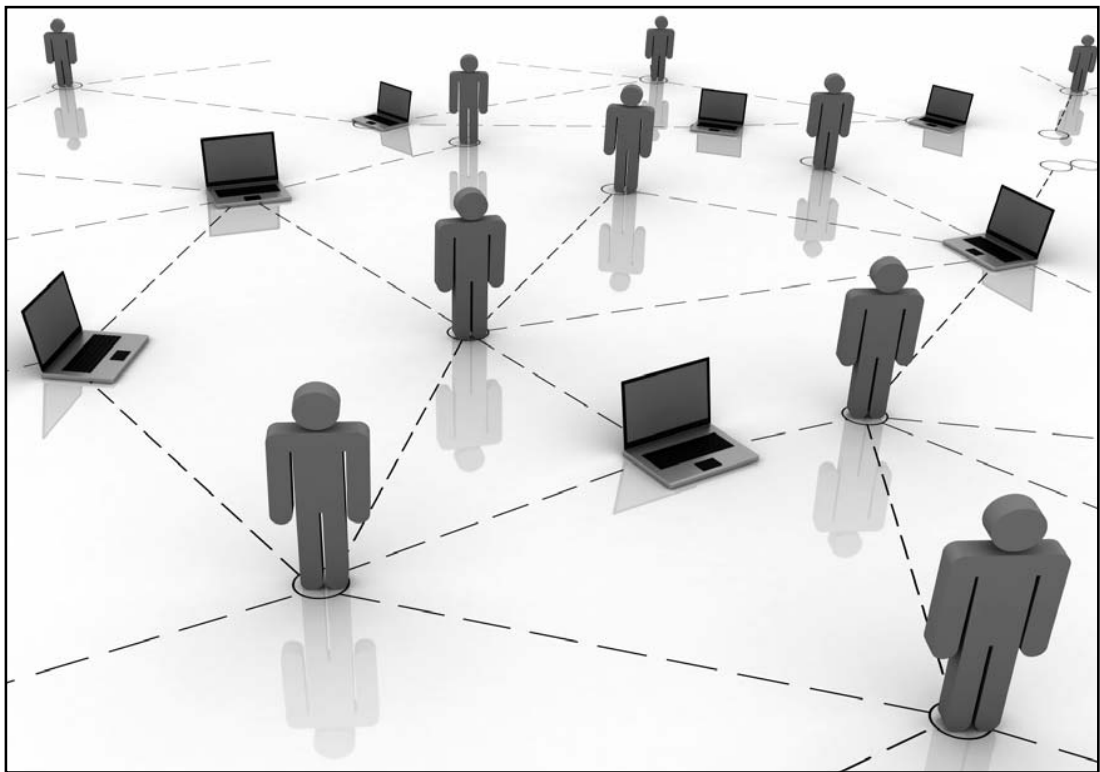
به این معنا که استفاده از ابزار مورد بررسی تا چه اندازه برای کاربران جدید قابل یادگیری است و آموزش استفاده از آن به چه سرعتی میسر است؟ علاوه بر این، تا چه میزان استفاده مؤثر از این ابزار برای کاربران امکان دارد و آیا آنان می‌توانند به راحتی چگونگی کاربرد این ابزار و علائم و نشانه‌های آن را به خاطر بسپارند؟ همچنین، در صورت اشتباه کاربر در استفاده از این ابزار، پیغام خطا چگونه نمایش داده خواهد شد و میزان تکرار این پیام‌ها و درجه سودمندی آن برای حل مشکل در چه حدی است؟ سرانجام این که کاربران تا چه میزان از ابزار مورد نظر راضی هستند و به استفاده مجدد از آن تمایل دارند؟

فصل پنجم با عنوان «مشارکت‌کنندگان در مطالعات کاربردپذیری» حاوی توصیه‌هایی کاربردی در انجام طرح‌های کاربردپذیری است. انتخاب رویکرد کمی یا کیفی، روش‌های نمونه‌گیری و مروری گذرا بر اخلاق پژوهش، از جمله مباحث مطرح شده در این فصل است. اما آن‌چه در این فصل آمده بسیار محدودتر از آن است که بتواند در عمل چندان مورد استفاده خواننده قرار گیرد. نویسندگان می‌توانستند برای جبران اختصار این فصل، منابع مرتبط را برای مطالعه بیشتر معرفی کنند. متأسفانه همین کاستی در فصل ششم نیز تکرار شده است. زیرا نویسندگان تلاش کرده‌اند

به اختصار مباحث بنیادی گردآوری و تحلیل داده‌ها را در دو رویکرد کمی و کیفی تبیین کنند. اما حجمی که به این دو موضوع مهم اختصاص یافته بسیار کمتر از آن است که تبیین دقیقی در اختیار خواننده قرار دهد و فقط مقدمه‌ای ناقص در این زمینه محسوب می‌شود.

فصل هفتم اختصاصاً درباره کاربردپذیری در محیط وب است و با استناد به برگزیده‌ای از آثار، به معرفی مهم‌ترین معیارها در این زمینه می‌پردازد. اما متأسفانه





در کنار این امتیازها، کتاب حاضر دچار چند کاستی عمده است که آن را به اثری متوسط تبدیل می‌کند. نخست آن که کتاب حاضر بیش از آن که تالیفی مستقل باشد، گردآوری نه چندان کاملی از منابع موجود در این زمینه است. ضمن آن که رویکرد نویسندگان در مرور آثار موجود، چندان تحلیلی نبوده و بیشتر در حد اشاره‌ای گذراست. در نتیجه، محتوای کتاب بیش از آن که تحلیلی و انتقادی باشد، توصیفی و مروری است. کاستی دیگر این اثر، پیوند کم‌رنگ میان تصاویر و متن کتاب است. تصاویری از سایت‌های مختلف که در فصل نخست به تعداد زیاد زینت‌بخش کتاب است و در فصل‌های بعدی اثری از آن‌ها دیده نمی‌شود، کاربرد مشخصی ندارند. زیرا نویسندگان بیش از آن که به تحلیل و بررسی تصاویر بپردازند، کلیاتی در زمینه ارزیابی کاربردپذیری مطرح می‌کنند، که بدون این تصاویر نیز امکان طرح آن‌ها وجود داشته است.

سخن پایانی

کتاب حاضر به عنوان مقدمه‌ای بر دو عرصه گسترده مطالعات رفتار اطلاعاتی و کاربردپذیری، اثر مفیدی است و می‌تواند مورد استفاده دانشجویان کتابداران و اطلاع‌رسانی و ارتباطات قرار گیرد. مدرسان این رشته، در دروسی مثل ذخیره و بازیابی اطلاعات و پایگاه‌های اطلاعاتی می‌توانند آن را به عنوان یکی از منابع تکمیلی معرفی کنند. ضمناً مطالعه این اثر می‌تواند برای طراحان نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای بسیار مفید باشد. در نهایت، دانشجویان کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی

نویسندگان کتاب با همان شتابزدگی قبلی که نتیجه آن در فصل‌های پنجم و ششم به خوبی مشهود بود، از تشریح دقیق این موضوع مهم نیز بازمانده‌اند و به ارائه فهرستی از معیارهای ارزیابی اکتفا کرده‌اند.

فصل هشتم با عنوان «کاربردپذیری در کتابخانه‌های دیجیتالی»، مجموعه‌ای از تعدادی مدل معروف در این زمینه است که از آن جمله می‌توان به مدل «فدراسیون کتابخانه‌های دیجیتالی»^{۸۱} و «مدلیس»^{۹۱} اشاره کرد.

فصل نهم به موضوع شکاف دیجیتالی می‌پردازد و شاخص‌های استاندارد را در زمینه ارزیابی جوامع مختلف معرفی می‌کند.

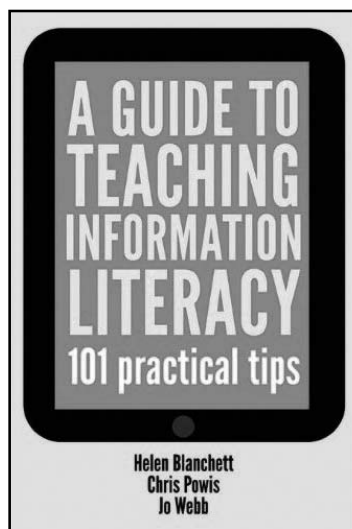
با فصل دهم که شامل فهرستی از روندها و رویه‌های جاری در مطالعات حوزه کاربردپذیری است، کتاب به پایان می‌رسد.

امتیازها و کاستی‌های کتاب

نثر سلیس و ساده همراه با ایجاز و خلاصه‌گویی، از امتیازهای بارز این کتاب هستند. علاوه بر این، نویسندگان به خوبی توانسته‌اند پیوند مناسبی میان دو عرصه مطالعات رفتار اطلاعاتی و پژوهش در زمینه کاربردپذیری برقرار سازند. زیرا بدون شناخت رفتار اطلاعاتی کاربران، عملاً مطالعات کاربردپذیری راه به جایی نخواهند برد. بنابراین، خلاقیت نویسندگان در کنار هم قرار دادن این دو موضوع نیز امتیاز دیگری برای این اثر محسوب می‌شود.

می‌توانند از این اثر به عنوان متنی ساده، روان و روزآمد برای تمرین زبان تخصصی استفاده کنند.

راهنمای آموزش سواد اطلاعاتی: ۱۰۱ نکته کاربردی



کتاب حاضر بیش از آن که تالیفی مستقل باشد، گردآوری نه چندان کاملی از منابع موجود در این زمینه است. ضمن آن که رویکرد نویسندگان در مرور آثار موجود، چندان تحلیلی نبوده و بیشتر در حد اشاره‌ای گذراست

از اهمیت این موضوع دارد و از سوی دیگر مروری بر محتوای آن نشان می‌دهد که رویکرد متفاوتی که در تدوین آن اتخاذ شده، دلیل اصلی انتشارش بوده است. در این رویکرد خلاقانه، نویسندگان کتاب با گردآوری مطالبی با رویکرد کاربردی راهنمایی جامع برای آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی ارائه کرده‌اند که می‌تواند برای علاقه‌مندان این حوزه - به ویژه برای کتابداران و متخصصان اطلاع‌رسانی که نقش اصلی را در آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی بر عهده دارند - مفید و آموزنده باشد.

معرفی نویسندگان

هلن بلنچت^{۳۱}، نویسنده نخست این اثر، دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد و دارنده گواهینامه حرفه‌ای^{۳۲} کتابداری و اطلاع‌رسانی از انجمن کتابداران انگلستان است. او در بخش خدمات و نظام‌های اطلاعاتی در دانشگاه نیوکاسل^{۳۳} مسؤولیت آموزش مهارت‌های اطلاع‌یابی به کاربران را بر عهده دارد. بر این اساس، پیوند نزدیکی بین موضوع این اثر و تجربه کاری ایشان دیده می‌شود.

نویسنده دوم کتاب، کریس پوویس^{۳۴} نیز دارای مدرک کارشناسی ارشد و گواهی کتابداری حرفه‌ای است و در دانشگاه نورث‌همپتون^{۳۵} به عنوان مسؤول خدمات اطلاع‌رسانی و معاون خدمات دانشگاهی مشغول به کار است.

جو وب^{۳۶} نیز با برخورداری از مدارک دانشگاهی مشابه با دو نویسنده نخست، در دانشگاه «دمونت فورت»^{۳۷} مدیر خدمات دانشگاهی^{۳۸} است. وجه مشترک هر سه نویسنده این اثر در مدارک دانشگاهی مرتبط با موضوع کتاب و همچنین برخورداری از تجربه کاری مستقیم درباره موضوع آن است.

معرفی کتاب

کتاب حاضر شامل سه بخش اصلی و ۱۰۱ فصل کوتاه است که هر کدام به یک نکته کاربردی در زمینه آموزش سواد اطلاعاتی اختصاص یافته است. بخش نخست با عنوان «طراحی»، حاوی پانزده فصل - یا همان پانزده نکته کاربردی - در زمینه طراحی کلاس‌ها و برنامه‌های درسی برای آموزش سواد اطلاعاتی است.

نخستین فصل با عنوان «چارچوبی برای طراحی و مدیریت آموزش و یادگیری» نوشته شده است. در این فصل، نویسندگان نظریه‌های یادگیری را به چهار دسته اصلی تقسیم کرده‌اند^{۳۹}: نظریه‌های اجتماعی یادگیری که بر جنبه اجتماعی فرایند یادگیری تأکید دارند و آن را فعالیتی گروهی و جمعی می‌دانند؛ نظریه‌های روان‌شناختی یادگیری که بر فرایندهای ذهنی یادگیری متمرکزند؛ نظریه‌های رفتاری یادگیری که حول محور رفتارهای آموخته‌شده قرار دارند؛ و سرانجام نظریه‌های ساختگرا که در آن‌ها هر یک از یادگیرندگان با

■ Blanchett, H; Powis, C. and Webb, J. *A Guide to Teaching Information Literacy: 101 Practical Tips*, London: Facet Publishing, 2011, ISBN: 978-1-85604-659-6, PP. 262.

مقدمه

از زمانی که در اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی، مفهوم «سواد اطلاعاتی» به عنوان مهارتی ضروری برای زندگی در هزاره جدید مطرح شد، کتاب‌ها و مقالات فراوانی درباره آن به بازار آمد و این روند تا امروز ادامه داشته است، به نحوی که اکنون پس از سه دهه، با انبوهی روزافزون از آثار علمی در این زمینه مواجه هستیم. مروی گذرا بر فهرست کتابخانه‌های مختلف و جست‌وجویی ساده در پایگاه‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد حجم منابع موجود در این زمینه بسیار زیاد است. مثلاً جست‌وجویی ساده با موضوع سواد اطلاعاتی در فهرستگان کتابخانه‌های دانشگاهی انگلستان - کوپک^{۴۰} - نشان می‌دهد تا امروز ۳۰۹۱ اثر در این فهرستگان با موضوع سواد اطلاعاتی ثبت شده است. در جست‌وجویی مشابه با همین کلیدواژه در پایگاه مقالات «ساینس دایرکت»^{۴۱} از محصولات شرکت الزویر، نتیجه‌ای حدود سی‌هزار مقاله را نشان می‌دهد. با این حال، در سال ۲۰۱۱ انتشارات فاست^{۴۲} - ناشر رسمی انجمن کتابداران انگلستان - کتاب تازه‌ای درباره سواد اطلاعاتی منتشر کرده است. انتشار این اثر از یک سو نشان

مؤلفه‌ها عبارتند از: توجیه منطقی هر درس و تبیین هدف آن؛ بافتی که درس مورد نظر در آن اجرا می‌شود؛ فرایند آموزشی و شیوه تدریس؛ سطح کلاس؛ فعالیت‌های گروهی؛ فعالیت‌های فردی؛ ترجیح آموزگار در انتخاب روش تدریس؛ شرایط فیزیکی کلاس؛ جایگاه سازمانی کلاس و توجه به نکات فرهنگی و اجتماعی در فرایند آموزش. به این ترتیب، فصل اول چارچوب نظری و اجرایی فصل‌های بعدی را مشخص می‌سازد تا ذهن خواننده برای مطالعه دقیق‌تر کتاب آماده شود.

فصل‌های بعدی بخش نخست، درباره مفاهیم نظری مرتبط با بحث اصلی، نظیر مؤلفه‌های اساسی در سواد اطلاعاتی، چگونگی نیازسنجی آموزشی، ارزیابی یادگیرندگان، و شیوه‌های یادگیری است. اغلب این فصول، مختصر و برخی از آنها کمی مفصل‌تر هستند. مثلاً فصل دهم که درباره ارزیابی دانشجویان است، توضیحات مفیدی پیرامون چگونگی ارزیابی و معیارهای اصلی در این زمینه را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. پنج اصل اساسی در ارزیابی که در این فصل معرفی شده‌اند عبارتند از: روایی؛ پایایی؛ کارآمدی؛ انصاف و ارزش‌مداری^{۳۳}. بر این اساس، در ارزیابی هر دوره آموزشی باید اهداف یادگیری به درستی و دقت بررسی شوند و این ارزیابی باید همواره منصفانه و کارآمد باشد.

با پایان بخش نخست، مباحث نظری نیز به پایان می‌رسد و بخش دوم، آغازی بر معرفی نکته‌های کاربردی است. بخش دوم ۳۵ فصل را به خود اختصاص می‌دهد که نخستین آنها درباره اهمیت زبان بدن در آموزش است. البته اختصاص نخستین فصل بخش دوم بیش از آن که بر اساس درجه اهمیت آن باشد، ناشی از چگونگی تنظیم فصل‌هاست که در هر بخش، به صورت الفبایی تنظیم شده‌اند. البته این تنظیم الفبایی به انسجام کتاب آسیبی وارد نساخته است، زیرا هر یک از فصول، به‌ویژه در بخش دوم و سوم، مستقل هستند و خوانندگان بسته به نیاز خود می‌توانند هر یک را که مایلند ابتدا مطالعه کنند. بنابراین، این تنظیم الفبایی به یافتن سریع‌تر مطلب مورد نیاز نیز کمک می‌کند.

فصل‌های دیگر بخش دوم تقریباً تمام وجوه کاربردی اداره کلاس آموزشی برای سواد اطلاعاتی را پوشش می‌دهد. توجه نویسندگان به نکته‌های به ظاهر کوچکی که می‌توانند تأثیری جدی بر موفقیت آموزش داشته باشند، از امتیازهای این کتاب است. مثلاً چگونگی برخورد با دانشجویانی که دیر به کلاس می‌رسند، از جمله نکته‌های ظریف آموزشی است که در فصل ۲۸ به آن اشاره شده است. در سایر فصول، طیف وسیعی از مباحث مرتبط با آموزش، از جمله چگونگی شروع بحث اصلی و چگونگی جهت‌دهی به بحث تبیین شده است. بخش سوم که بزرگ‌ترین بخش کتاب است، با داشتن ۵۱ فصل نیمی از این کتاب را به خود اختصاص داده است. محتوای کاملاً کاربردی بخش سوم، آن را به سودمندترین



برقراری پیوند بین اطلاعات جدید و دانسته‌های قبلی خود، مسیر یادگیری را طی می‌کنند.

سپس نویسندگان با استناد به نظریه یادگیری جفری اسکویرز^{۳۴} تلاش می‌کنند بر جنبه کاربردی اثر خود بیفزایند. نظریه اسکویرز (۱۹۹۴) از سه مؤلفه اصلی تشکیل شده است: شرایط مناسب یادگیری، عملکرد آموزگار و سایر متغیرهای آموزشی. بر اساس این نظریه، یادگیری زمانی به خوبی رخ می‌دهد که چهار مؤلفه به خوبی در کنار یکدیگر قرار گیرند. نخست آن که یادگیرنده با ذهنی مثبت و منعطف آماده یادگیری باشد و آن را در اولویت کارهای خود قرار دهد. دوم آن که فرایند یادگیری همراه با عمل و بازخورد باشد و به مبانی نظری محدود نشود. سومین شرط مربوط به منابع اطلاعاتی مورد استفاده در فرایند یادگیری است که باید منسجم و ساختار یافته و برای یادگیرنده معنادار باشد. شرط چهارم نیز مربوط به محیط یادگیری است که باید مشوق و حامی فرایند یادگیری باشد و در آن، شرایط لازم برای ارائه بازخورد و تشویق یادگیرندگان فراهم باشد.

در ادامه این فصل، نویسندگان به ۱۰ عملکرد اصلی آموزگار در فرایند یادگیری اشاره می‌کنند: ایجاد انگیزه در فراگیران، نظارت بر پیشرفت یادگیری، جهت‌دهی به فرایند یادگیری، دانش‌افزایی، توضیح مطالب، تبیین مطالب، گسترش بحث‌های کلاسی، تمرین، ارزیابی و تقویت یادگیری. سپس به ۱۰ مؤلفه دیگر اشاره می‌کنند که در طراحی تمام درس‌های معرفی شده در این کتاب رعایت شده است. این

انتشار این اثر از یک

سو نشان از اهمیت

این موضوع دارد و از

سوی دیگر مروری

بر محتوای آن نشان

می‌دهد که رویکرد

متفاوتی که در تدوین

آن اتخاذ شده، دلیل

اصولی انتشارش بوده

است

کتاب حاضر شامل سه بخش اصلی و ۱۰۱ فصل کوتاه است که هر کدام به یک نکته کاربردی در زمینه آموزش سواد اطلاعاتی اختصاص یافته است

بخش کتاب تبدیل کرده است، به نحوی که انواع فعالیت‌های خلاقانه در آن ارائه شده و خوانندگان علاقه‌مند می‌توانند با به کار بستن هر یک از آن‌ها بر تأثیر آموزش خود بیفزایند. برخی از این ابتکارها ساده و در عین حال برای آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی بسیار مفیدند. مثلاً فصل ۵۴ کتاب به کاربرد کتاب‌شناسی‌ها در آموزش سواد اطلاعاتی اختصاص دارد. نویسندگان کتاب در این فصل توصیه می‌کنند برای آموزش مهارت در شناسایی، گردآوری، رتبه‌بندی و سازماندهی اطلاعات از دانشجویان بخواهید درباره موضوع یا موضوع‌های مشخصی کتاب‌شناسی ساده‌ای تدوین کنند. بدیهی است در این تمرین فرایند ساخت کتاب‌شناسی از فرآورده آن مهم‌تر است. زیرا از این طریق، آنان با مراجعه به منابع و جست‌وجو برای یافتن فهرستی از منابع مرتبط، فرصت خوبی برای تمرین این مهارت‌ها در اختیار دارند. برای افزودن بر جذابیت این تمرین می‌توان از آنان خواست ساخت این کتاب‌شناسی را به صورت گروهی انجام دهند و از ابزارهایی مثل نرم‌افزار «اندنوت»^{۳۳} یا «زوترو»^{۳۴} استفاده کنند.

تکنیک‌های متعدد دیگری برای ایجاد نشاط و پویایی در آموزش سواد اطلاعاتی در سایر فصل‌ها دیده می‌شود. برخی از این روش‌ها بر فناوری‌های فراگیری مثل وبلاگ و پادکست مبتنی هستند و برخی دیگر فقط یادآوری اهمیت روش‌های آموزش تعاملی نظیر نقش بحث و گفت‌وگو در انتقال مفاهیم است. روش‌های مفید و مؤثری که گاه در آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی فراموش می‌شوند، به‌ویژه آن‌که سواد اطلاعاتی، مجموعه‌ای از مهارت‌هاست که آموزش آن‌ها باید با تمرین و تعامل همراه باشد. این کتاب با نمایه‌ای مختصر و بدون پیوست و ضمیمه به پایان می‌رسد.

امتیازها و کاستی‌های کتاب

شاید مهم‌ترین امتیاز این کتاب، پشتوانه تجربی و کاربردی آن باشد. زیرا هر سه نویسنده آن مستقیماً درگیر آموزش سواد اطلاعاتی هستند و در این زمینه سال‌ها تجربه مستقیم دارند. محتوای کتاب به خوبی نشان می‌دهد که آنان در انتقال این تجربه موفق بوده‌اند. تنظیم محتوای کتاب در ۱۰۱ نکته کاربردی نیز ابتکار خلاقانه‌ای است. زیرا خوانندگان بر اساس نیاز و علاقه خود می‌توانند به سرعت به مطالب مورد نیازشان دسترسی داشته باشند.

علاوه بر این، تقسیم کتاب به سه بخش و چگونگی توزیع فصل‌ها کاملاً منطقی است. بخش نخست به مبانی نظری آموزش و یادگیری پرداخته، بخش دوم نکته‌هایی کاربردی درباره مدیریت کلاس ارائه می‌کند و بخش سوم درباره آموزش سواد اطلاعاتی است. به سخن دیگر، کتابدارانی که قصد آموزش سواد اطلاعاتی دارند، علاوه بر آشنایی با عناصر و مؤلفه‌های سواد اطلاعاتی باید با مبانی آموزش و

چگونگی اداره کلاس نیز آشنا باشند. زیرا ترکیب این سه مؤلفه می‌تواند موفقیت این دوره‌های آموزشی را تضمین کند. در کنار این امتیازها می‌توان به چند نکته نیز اشاره کرد که توجه به آن‌ها می‌توانست بر سودمندی این اثر بیفزاید. مثلاً جای فصلی پایانی برای تحلیل و نتیجه‌گیری نهایی از زبان نویسندگان خالی است. وجود چنین فصلی برای ترسیم تصویری کلی از مباحث مطرح شده و تأکید بر نکته‌های کلیدی می‌توانست برای خوانندگان مفید باشد. زیرا خوانندگان نمی‌دانند که مثلاً آیا از نظر نویسندگان همه ۱۰۱ نکته مطرح شده از اهمیتی یکسان برخوردارند؟ آیا آنان توصیه خاصی برای مدرسان تازه‌کار ندارند؟ و پرسش‌هایی از این نوع که بی‌پاسخ مانده است. بی‌تردید پاسخ به چنین پرسش‌هایی می‌توانست ارزشی افزوده برای این اثر به شمار آید.

کاستی دیگر این کتاب، ناشی از نبود پیوند کافی آن با آثار مرتبط است. هرچند در انتهای بسیاری از فصل‌ها به منابعی استناد شده و منابع بیشتری نیز برای مطالعه معرفی شده‌اند، اما در برخی از فصول - مثل فصل‌های ۵، ۱۹، ۲۰، ۲۴، ۲۸، ۳۰، ۳۵، ۳۷، ۴۵، ۵۰ و ۵۷ - نه به منبعی خاص استناد شده و نه اثری از حتی یک منبع برای مطالعه بیشتر دیده می‌شود. به این ترتیب خواننده نمی‌داند آیا پشتوانه‌ای انتشاراتی برای مطالب این فصول وجود دارد یا خیر. هم‌چنین نمی‌داند پیشنهاد نویسندگان برای مطالعه بیشتر در این زمینه چیست.

سخن پایانی

مخاطب اصلی کتاب راهنمای آموزش سواد اطلاعاتی، کتابدارانی هستند که در زمینه آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی فعالیت می‌کنند و به کتابی کاربردی برای بهبود و افزایش اثربخشی آموزش خود نیاز دارند. زبان ساده و نثر روان کتاب مطالعه آن را بسیار آسان می‌سازد. به این ترتیب نویسندگان آن به خوبی توانسته‌اند تجربه‌های خود را در اختیار خوانندگان قرار دهند. بر این اساس، معرفی این کتاب به عنوان منبع تکمیلی در تعدادی از دروس کتابداری و اطلاع‌رسانی نظیر خدمات مرجع می‌تواند مفید باشد. هم‌چنین شیوه تنظیم مطالب آن می‌تواند برای نویسندگان آثار کاربردی در حوزه آموزش مهارت‌های سواد اطلاعاتی الهام‌بخش باشد. مدرسان کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز می‌توانند از ابتکارهای معرفی شده در این منبع برای افزایش اثربخشی تدریس خود در دروس مرتبط استفاده کنند.

پی‌نوشت‌ها

1. y.mansourian@gmail.com
2. Open Access Resources
3. Ethnography

Value

34. EndNote (<http://www.endnote.com/>)

35. Zotero (<http://www.zotero.org/>)

ماخذ

Asher, A. (2011) "Search Magic: Discovering How Undergraduates Locate Information", American Anthropological Association Annual Meeting. Montreal, Canada. Nov. 2011.

Asher, A. (2011b) "Understanding User Behavior with Ethnographic Research Methods", Texas Library Association Annual Conference, Austin, Texas, Apr. 2011.

Belkin, N.J. (1980). Anomalous states of knowledge as a basis for information retrieval. *Canadian Journal of Information Science*, Vol.5, PP. 133-143.

Case, D. (2007) *Looking for Information: A Survey of Research on Information Seeking, Needs and Behavior*, 2nd Ed. Academic Press.

Chowdhury, G.G. & Chowdhury, S. (2003) *Introduction to digital libraries*, London: Facet Publishing.

Chowdhury, G.G. (2010) *Introduction to modern information retrieval*, Third Ed., London: Facet Publishing.

Chowdhury, G.G., Burton, P., McMenemy, D. & Poulter, A. (2008) *Librarianship: an introduction*, London: Facet Publishing.

Fisher, K.; Erdelez, S. and McKechnie, L. (eds.), (2006) *Theories of Information Behavior*, Information Today.

Ford, N. (2004). Towards a model of learning for educational informatics. *Journal of Documentation*, Vol. 60, No. 2, PP. 183-225.

Ingwersen, P. (1996) Cognitive perspectives of information retrieval interaction: Elements of a cognitive IP theory, *Journal of Documentation*, Vol. 52, No. 1, PP. 3-50.

Nielsen, J. and Loranger, H. (2006) *Prioritizing Web Usability*, New Riders.

Squires, G. (1994). *A New Model of Teaching and Training*, Hull: University of Hull.

4. Linda Duke

5. Andrew Asher

6. Illinois Wesleyan University (<http://www.iwu.edu/>)

7. Sociocultural Anthropology

8. Bucknell University (<http://www.bucknell.edu/>)

9. Ethnographic Research in Illinois Academic Libraries: ERIAL

10. Andrew Asher, Susan Miller, and David Green

11. Usability

12. Gobinda G. Chowdhury, PhD

13. Nanyang Technological University in Singapore (<http://www.ntu.edu.sg/>)

14. University of Strathclyde in Glasgow (<http://www.strath.ac.uk/>)

15. Sudatta Chowdhury

16. Maslow's Hierarchy of Needs

17. Learnability, Efficiency, Memorability, Likelihood of Errors, and Satisfaction

18. Digital Library Federation (<http://www.diglib.org/>)

19. MEDLIS: Model for Evaluation of Digital Libraries and Information Services

20. COPAC: <http://copac.ac.uk/>

21. Science Direct (<http://www.sciencedirect.com/>)

22. Facet Publishing (<http://www.facetpublishing.co.uk/>)

23. Helen Blanchett

24. Member of the Chartered Institute of Library and Information Professionals (MCLIP)

25. Newcastle University Information Systems and Services

26. Chris Powis

27. The University of Northampton (<http://www.northampton.ac.uk/>)

28. Jo Webb

29. De Montfort University (<http://www.dmu.ac.uk/>)

30. Academic Service Manager

31. Sociological, Psychological, Behaviorist and Constructivist Learning Theories

32. Geoffrey Squires

33. Validity, Reliability, Efficiency, Fairness, and

جای فصلی پایانی
برای تحلیل و
نتیجه گیری نهایی
از زبان نویسندگان
خالی است. وجود
چنین فصلی برای
ترسیم تصویری کلی
از مباحث مطرح شده
و تأکید بر نکته های
کلیدی می توانست
برای خوانندگان مفید
باشد